

قرآن و سنت تفسیری اش

امروزه مطالعات تفسیری درکنار مطالعات قرآنی دو شاخه مهم ازحوزه پژوهش های مربوط به تکوین دین اسلام و تحولات فرهنگی و اجتماعی سده های نخست اسلامی شناخته می شوند. محققان درحوزه مطالعات قرآنی بیشتر به شناخت خود قرآن، نزول، تدوین، کنایت، قرائت ودیگرتحولات متنی آن می پردازند. مطالعات تفسیری یا تفسیرپژوهی از سوی دیگر، به بررسی تلاش های علمی معطوف بهفهم متن قرآنی،

روش ها وابزارهای فهم این متن می پردازد. بنابراین تلاش برای دریافتن معنای واژه یاآیه ای درقرآن کریم، بیشتر عملی قرآن پژوهانه است. درمقابل، تلاش برای دریافت سیر تحول فهم مفسران از آن آیه راباید بهحوزه تفسیرپژوهی متعلق دانست. هم ازاین رو، بخش زیادی ازمباحث تفسیرپژوهی، معرفت درجه دوم است ودرشاخه تاریخ علوم قرار می گیرد. تفسیرپژوهی ا مطالعات تفسیری، در میان دانشمندان اسلامی سابقه ای چندان طولانی ندارد. نگاه تاریخی بهمواد ومنابع اسلامی مانند تاریخ متن قرآن، تاریخ تکوین وسیر تطور تفسیر، نخستین بار درمیان غیرمسلمانان به صورت علمی وبا ابزارهای جدید علمی شکل گرفت وبه تدریج محققان مسلمان آن رابر اساس معیارهای خود بازسازی وبومی سازی کردند. بنابراین امروزه محققان مسلمانی کهبا روش های پژوهش ادبی وتاریخی آشنایی بیشتر دارند، بسیار بیشتر ازگذشته بهانجام چنین مطالعات وتحقیقاتی توجه نشان می دهند.

در مطالعات تفسیری باپرسش های مختلفی روبه روییم: چرا قرآن یاهر کتاب محوری دیگر نیازمند تفسیر شده است؟ نخستین دغدغه های تفسیری متوجه کدام بخش های متن قرآنی شد؟ نخستین گونه ها ورویکردهای تفسیری به ترتیب پیدایش چه بودند؟ ابزارها وروش های تفسیری سه قرن نخست در تفسیر قرآن چه بود؟ درپاسخ هیچ کدام ازاین پرسش ها نمی توان گفت: «واضح ومبرهن است که....، زیرا هیچ امری بدون نیازبدان واقع نمی شود وهیچ واقعه ای بدون علت روی نمی دهد. در تاریخ تفسیر (و به طور کلی در تاریخ علم) نیز هیچ چیز طبیعی نیست. از این رو، جست وجوی عوامل پنهان وآشکار در تحولات تاریخ علم تفسیریکی ازوظایف مهم تفسیرپژوهی است. اینکه چیزی ثابت مانده است، همان اندازه سبب ودلیل می خواهد که آن چیز تغییر وتحول یافته است. در این میان اما به گمان من پرسشی مهم تر نیز درمیان است: چرا این تفسیر هست، حال آنکه می توانست نباشد؟ وچرا این تفسیر این گونه است، حال آنکه می توانست نباشد؟ این پرسش اساسی همه مطالعات موردی در تفسیرپژوهی است.

اندرو ریپین یکی از محققان غربی است که بیشترین تلاش علمی اش رادر زمینه تاریخ تفسیر قرآن در سده های نخست انجام داده است. بخشی از روش، فرضیات ودستاوردهای علمی او را باید متأثر از استادش، جان ونزبرو، دانست که سرآمد تجدیدنظرطلبان (revisionists) در میان اسلام پژوهان غربی به شمار می آید. ریپین در سال ۱۹۵۰ میلادی درلندن متولد شد. پس از تحصیلات ابتدایی، در رشته مطالعات دینی دانشگاه تورنتو تحصیل کرد و کارشناسی ارشد رادر رشته مطالعات اسلامی دانشگاه مگ گیل گذراند واز پایان نامه اش در سال ۱۹۷۷ میلادی باعنوان «حرم واصطلاحات مترادف آن درقرآن، تحلیلی ازکاربردها ومعنای آن، دفاع کرد.

وی دکتری خود در رشته مطالعات اسلامی رانیز در سال ۱۹۸۱میلادی از همان دانشگاه، با نگارش رساله ای باعنوان «متون اسباب نزول قرآنی، بررسی درکاربرد وتحول آن در تفسیر، دریافت کرد که بخش هایی از این رساله نیز در قالب مقالات مختلف در همین کتاب ترجمه وانتشار یافته است. ریپین در نوامبر ۲۰۱۶در ویکتوریا درگذشت.

این کتاب که در سال ۲۰۱۰میلادی منتشر شده، حاصل ۲۱مقاله از مقالات تفسیرپژوهی اندرو ریپین است. اما لایه لای آن، ناگزیر پرسش ها وپژوهش های قرآنی نیز آمده است. فهرست کلی عناوین مقالات نشان می دهد که طرح مسئله های اساسی ومتنوعی در باب خاستگاه تفسیر وعوامل فرهنگی واجتماعی آن، ارتباط تفسیر باسیره وقرآن، کهن ترین متون تفسیری؛ مسئله ابن عباس در تفسیر قرآن، تحول تدریجی در پیدایش گونه ها، ابزارها وروش های تفسیری، فرهنگ ها وقاموس های عربی، دانش هایی مانند اسباب النزول، واژه های دخیل ونسخ، وفهم قرآن بر مبنای عهدین (بایبل) به کتاب ریپین در زمینه مطالعات تفسیری غنای خاصی بخشیده است.

اهمیت این کتاب بیش از آنکه در نتایج ودستاوردهای مؤلف آن باشد، در پرسش های مهم واساسی اش نهفته است. روشن است که ما پژوهشگران ایران واسلام، نباید درصدد ترجمه ویدپرش هر سخنی از غربیان به اتکای غربی وتازه بودن آن باشیم، همچنان که شرقی بودن وغربی بودن هیچ مؤلفی به تنهایی سبب رد دیدگاه اومنی شود. این کتاب به پژوهشگر عالم وآشنا به متون مهم تفسیری وقرآنی در قرون نخست، نشان می دهد چگونه در میان امور به ظاهر بدیهی ومبرهن، می توان نکته ها وپرسش های جدی در باب پیدایش متون وتحول دانش هایی مانند دانش تفسیر ریاقت وبه درستی برتافت. از این رو، هیچ کس رانمی توان ونباید به تقلید از محتوای تولیدشده از سوی غربیان تشویق کرد، اما می توان وباید به دقیق اندیشیدن ودرست پرسیدن واداشت

وروش صحیح پی جویی پرسش ها را به او آموخت. این همان امری است که در نظام آموزش وپژوهش ما در حوزه ودانشگاه عمدتاً غایب است وپژوهش اکادمیک ما بدان سخت نیازمند.

آرزو دارم این مجموعه درچه های تازه ای در امر پژوهش تاریخی بر محققان مختلف درحوزه مطالعات اسلامی به ویژه قرآن پژوهان وتفسیرپژوهان بگشاید.

شماره مشترک

شبه ۱۴ فروردین ۱۴۰۲ (۱۴ فروردین ۱۳۹۷) شماره ۳۱۷

شماره ۱۴

شماره ۱۴

شماره ۱۴

شماره ۱۴

شماره ۱۴

شماره ۱۴

شماره ۱۴

شماره ۱۴

شماره ۱۴

شماره ۱۴

شماره ۱۴

شماره ۱۴

شماره ۱۴

شماره ۱۴

شماره ۱۴

شماره ۱۴

شماره ۱۴

شماره ۱۴

شماره ۱۴

شماره ۱۴

شماره ۱۴

شماره ۱۴

شماره ۱۴

شماره ۱۴

شماره ۱۴

شماره ۱۴

شماره ۱۴

شماره ۱۴

شماره ۱۴

شماره ۱۴

شماره ۱۴

شماره ۱۴

شماره ۱۴

شماره ۱۴

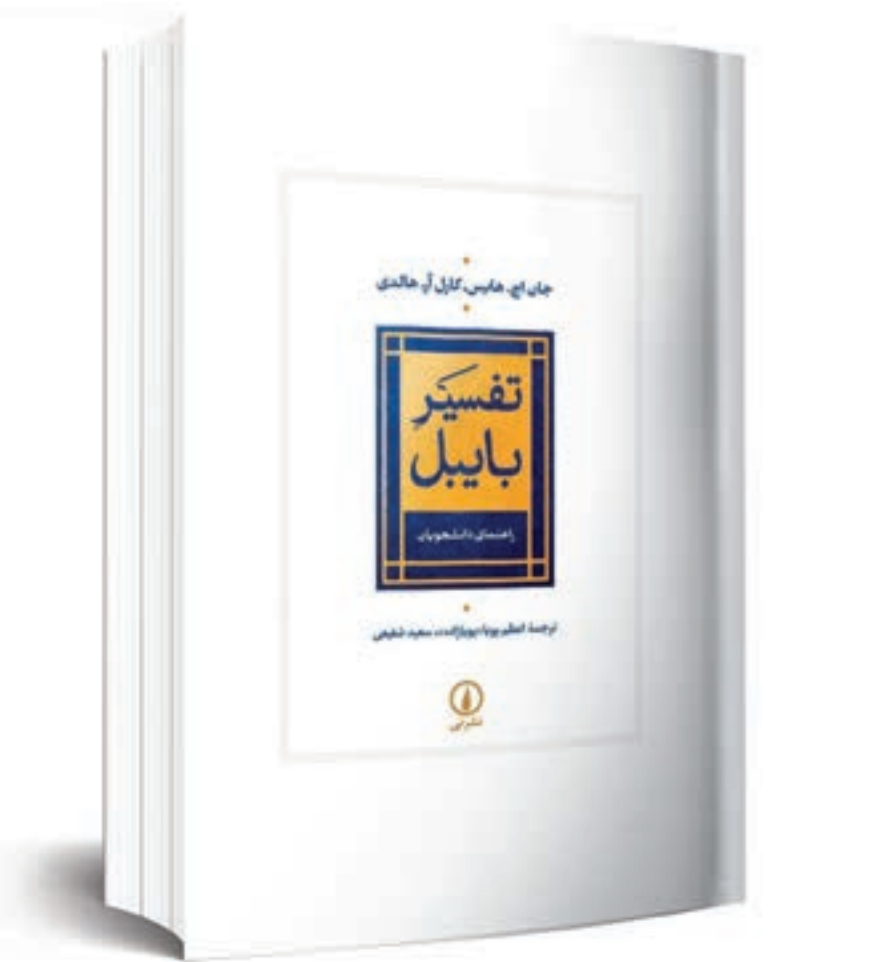
شماره ۱۴

شماره ۱۴

شماره ۱۴

دکتر اعظم پویا، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، از روش شناسی تفسیر کتاب مقدس و شباهت های آن با روش های تفسیر قرآن می گوید

امکانی برای فهم مشترک متون دینی



منظور از نقد در روش های نقد کتاب مقدس چیست؟ نویسندگان کتاب واژه نقد را توضیح داده اند ودر بسیاری از مطالب کتاب این واژه را باواژه «روش، معادل قرار می دهند. بنابراین می توان به جای روش های نقد بابیل از روش های تفسیر بابیل استفاده به معنای انتقاد نیست، بلکه به معنای راستی آزمایی کرد. نویسندگان کتاب تصریح می کنند که واژه «نقد» به معنای انتقاد نیست، بلکه به معنای راستی آزمایی است. نقد به این معنی است که اعتبارداشتن یا نداشتن متن را بررسی وراستی آزمایی کنیم. لازمه چنین کاری این است که متن از جنبه های مختلف بررسی شود. نتیجه این بررسی ها تفسیر متن مقدس خواهد بود. مؤلفان کتاب از فصل دوم بحث راز نقد متن آغاز می کنند که تلاش برای دستیابی به عبارت پردازی اولیه تعریف می شود. درمجموع، نقد متن سه گام برمی دارد تا فرایند نقل وصورتهای مختلف آن را از زیبایی کند ودر صورت امکان، عبارت پردازی اولیه راتشخیص دهد وبهترین صورت وعبارت پردازی متن را برای خواننده امروزی تعیین کند. فصل سوم درباره نقد تاریخی است، یعنی شرایط زمانی ومکانی پیدایش متن واهمیت فوق العاده آن، هم در فهم تاریخ خود متن وهم تاریخی که متن گزارش می کند. فصل چهارم باعنوان «نقد دستورزبانی: زبان متن، به چگونگی عملکرد واژه ها به مثابه حاملان معنا وچینش واژه ها در عبارات وجملات مربوط است. یعنی فهم مفردات وترکیبات که به ویژه باتوجه به فاصله تاریخی وگفتمانی از دوران پیدایش متون بابیلی، اهمیت خاصی

● جایگاه این کتاب در بازار ترجمه کتاب های مربوط به تفسیر بابیل چیست؟

تا آنجا که من اطلاع دارم، پیش تر کتابی در حوزه روش های نقد کتاب مقدس به شکل این کتاب ترجمه نشده است. علت اقدام ما به ترجمه این کتاب نیاز به وجود چنین کتابی در جامعه ما بود، به ویژه اینکه کتاب یک هندوک است وچنان که از نام کاملش پیداست، راهنمایی است برای کسانی که در حوزه تفسیر کار می کنند وبرای آنان لازم است که با روش های جدید تفسیری آشنا شوند. نویسندگان کتاب تلاش کرده اند مطالب را با زبانی روشن و خالی از تعقید وپیچیدگی بیان کنند.

● چرا این کتاب را به عنوان «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

وجود دارد، اما به عنوان یک متن مقدس به راحتی می توان برای فهم وتفسیر آن از روش های نقدی که در این کتاب آمده است، بهره برد والبته این کار رافقرآن پژوهان غربی آغاز کرده اند. نکته درخورتوجه این است که استفاده از روش های نقد کتاب مقدس برای فهم کتاب مقدس به مفسر باورمند به آن کتاب مقدس اختصاص ندارد. یعنی ورود این روش ها به حوزه تفسیر این تصور رایج را که مثلاً مفسر قرآن باید مسلمان وعققد به وحیانی بودن قرآن باشد، کنار می زند وتفسیر کتاب مقدس را از انحصار در باورمنداناش خارج می کند، همان طور که در کار آزمایشگاهی، باور آزمایشگر نقشی ایفا نمی کند. البته باید در نظر داشت که در هر حال تفسیر به حوزه علوم انسانی تعلق دارد.

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

وجود دارد، اما به عنوان یک متن مقدس به راحتی می توان برای فهم وتفسیر آن از روش های نقدی که در این کتاب آمده است، بهره برد والبته این کار رافقرآن پژوهان غربی آغاز کرده اند. نکته درخورتوجه این است که استفاده از روش های نقد کتاب مقدس برای فهم کتاب مقدس به مفسر باورمند به آن کتاب مقدس اختصاص ندارد. یعنی ورود این روش ها به حوزه تفسیر این تصور رایج را که مثلاً مفسر قرآن باید مسلمان وعققد به وحیانی بودن قرآن باشد، کنار می زند وتفسیر کتاب مقدس را از انحصار در باورمنداناش خارج می کند، همان طور که در کار آزمایشگاهی، باور آزمایشگر نقشی ایفا نمی کند. البته باید در نظر داشت که در هر حال تفسیر به حوزه علوم انسانی تعلق دارد.

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

وجود دارد، اما به عنوان یک متن مقدس به راحتی می توان برای فهم وتفسیر آن از روش های نقدی که در این کتاب آمده است، بهره برد والبته این کار رافقرآن پژوهان غربی آغاز کرده اند. نکته درخورتوجه این است که استفاده از روش های نقد کتاب مقدس برای فهم کتاب مقدس به مفسر باورمند به آن کتاب مقدس اختصاص ندارد. یعنی ورود این روش ها به حوزه تفسیر این تصور رایج را که مثلاً مفسر قرآن باید مسلمان وعققد به وحیانی بودن قرآن باشد، کنار می زند وتفسیر کتاب مقدس را از انحصار در باورمنداناش خارج می کند، همان طور که در کار آزمایشگاهی، باور آزمایشگر نقشی ایفا نمی کند. البته باید در نظر داشت که در هر حال تفسیر به حوزه علوم انسانی تعلق دارد.

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟

● چرا این کتاب را «فهم مشترک متون دینی» نامیده اند؟